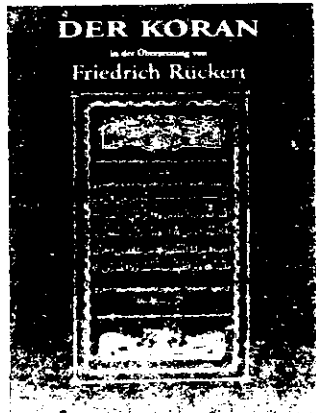


۱. ترجمه شاعرانه «فریدریش روکرت» (Friedrich Rueckert)



قدیمی‌ترین ترجمه قابل دسترسی در حال حاضر نسخه ترجمه فریدریش روکرت (۱۷۸۸-۱۸۶۶) است. روکرت استاد زبان‌شناسی زبانهای شرقی، شاعر و در آن میان سراینده «غمنامه‌ای در سوگ کودکان» بود که البته این اثر به همت گوستاو مالر (Gustav Mahler) تدوین شد. این شاعر آلمانی در دو دوره متمایز از هم و با فاصله ده سال به ترجمه قرآن پرداخت. برای نخستین بار در زمان اقامتش در کوبورگ (Coburg) به ترجمه قرآن دست زد و قصد نداشت

که ترجمه‌ای کامل از آن ارائه دهد. او تنها به ترجمه یازده سوره از قرآن بسنده کرد. از آنجا که ناشر آثار روکرت علاقه‌ای به چاپ این ترجمه نشان نداد، روکرت نیز از ادامه کار منصرف شد. روکرت برای دومین بار در اواسط دهه ۳۰ زمانی به ترجمه قرآن پرداخت که به کسب کرسی استادی دانشگاه ارلانگن (Erlangen) نایل شده بود و چندی پیش از آن نیز متن عربی قرآن به همت گوستاو فلوگل (Gustav Fluegel) لایپزیک انتشار یافته بود.^۱ همین امر نیز

→

(۱۹۹۸/۹)، ص ۳۷-۴۳ به چاپ رسیده است.

۱. سوره‌های ۶-۹، ۳۳، ۳۱، ۳۰، ۲۸، ۲۲، ۲۱، ۱۵، رجوع شود به:

Bobzin, H., "Friedrich Rückert und der Koran", in: *Der Koran in der Übersetzung von Friedrich Rückert*, hrsg. von Hartmut Bobzin mit erklärenden Anmerkungen von Wolf Dietrich Fischer, Würzburg, 1996, S. VII-XXXIII, XVIII.

۲. به همین سبب روکرت شماره گذاری آیات را از روش فلوگل اخذ نمود که او نیز به تصحیح هینکلمان در هامبورگ به سال ۱۶۹۴ رجوع نموده بود:

(S.J.V. Hammer-Purgstall in: *Jahrbücher der Literatur* 101 (Wien, 1843), S. 96.)

شماره گذاری آیات به شیوه فلوگل - هینکلمان توسط مسلمانان به رسمیت شناخته نمی‌شود. رایج‌ترین نحوه شماره گذاری که امروزه در میان مسلمانان رایج است، به شیوه عاصم است که نسخه قاهره نیز تابع آن است که آن نیز به بربری از نسخه نافع بوده که در مغرب انتشار یافته است.

←

نگاهی به ترجمه‌های حاضر قرآن به زبان آلمانی

نوشته: ماتیاس رادشایت^۱

ترجمه: محمد اخگری

اگر از نظر ظاهری قضاوت کنیم، می‌توانیم بگوییم که علاقه به قرآن در آلمان، طی هیچ دوره‌ای به اندازه امروز نبوده است. در حال حاضر، ده ترجمه متفاوت از قرآن در کتابفروشی‌ها عرضه می‌شود^۱ - البته همه ترجمه‌ها را در این مختصر نمی‌توان گنجاند - و دست کم نوزده ناشر - صرف نظر از چاپهای مخفیانه و کپی‌برداری از نسخه‌های چاپی انتشارات دیگر و نیز به صورت غیرقانونی - نسخه‌های بی‌شماری از قرآن را در طرحهای گوناگون ارائه می‌دهند: قرآنی در قطع جیبی یا به صورت گالینگور، با ترجمه، همراه با متن عربی یا بدون متن عربی، با تفسیر یا بدون تفسیر، با بررسی و تصحیح و یا به شکل اصلی و بدون بررسی. آنچه در ادامه می‌آید، نگاهی است گذرا به نسخه‌های منتشر شده‌ای که در اختیار داشتیم. البته کوشش شد تا بررسی روند کار به شکلی منظم انجام پذیرد و نیز هر یک از نسخه‌ها با توجه به تاریخچه، میزان وثوق و هدف آنها توصیف گردد.^۲

* ماتیاس رادشایت (Matthias Radschait) در دانشگاه بن به تدریس عربی اشتغال دارد و مقالات بسیاری درباره قرآن منتشر کرده است. او برای رساله دکتری خود موضوع ساختار شکفت‌انگیز قرآن به عنوان موضوع الهیات اولیه اسلام را مورد بررسی قرار داده است.

منبع: CIBIDO-Beiträge 13iv (1999) (مجموعه مقالاتی درباره گفت‌وگوی میان مسلمانان و مسیحیان).

۱. قرآنی که ع. قرآنی در مقاله‌اش با عنوان «قرآن و مترجمانش» در مجله الشوحد ۱۲ (۲)، تهران، ۱۹۹۴، نام برده و در صفحه ۲۶ ترجمه‌ای از صلاح‌الدین کاجرید (چاپ پنجم، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۴ / ۱۹۸۴) ذکر کرده، برای من آشنا نبود.

۲. اولین تلخیص کوتاه این مقاله در مجله *Der Arabische Almanach* مجله‌ای در حوزه فرهنگ مشرق زمین

شکل ظاهری آن را نیز برگردان نماید.^۱ برای برآوردن این منظور روکرت کوشید، در نثری شاعرانه، مقفی و مسجع ترجمه‌ای به مانند متن عربی ارائه دهد.^۲ به همین سبب او در برگردان از وزن شعر یامبوس (Jambisch) بهره گرفت.^۳ آوی همچنین کوشید متناسب با آیات کوتاه قرآن به بازآفرینی قافیه، سجع و ترصیع در زبان آلمانی بپردازد اما در ترجمه آیات بلند از این روش صرف نظر کرد تا بتواند ویژگیهای نثرگونه آن را بهتر ارائه نماید.

روکرت به مانند سایر ترجمه‌هایی که از متون مقدس انجام داده بود،^۴ علاقه اصلی‌اش در ترجمه قرآن به بخشهایی معطوف شده بود که از منظر زبانی برای او بسیار جذاب و مؤثر بود و یا به سبب محتوا در نظر او اسطوره‌ای و دگماتیک به حساب می‌آمدند.^۵ این علاقه، وفاداری او را به متن اصلی تحت الشعاع قرار داد. روکرت برای بازآفرینی نظم مناسب، از نظر محتوایی در ترتیب قرار گرفتن آیات تغییراتی ایجاد می‌کند.^۶ آنچه را که روکرت مزاحم، اضافه یا غیر جذاب می‌یافت، کنار می‌گذاشت.^۷ به عنوان مثال از کنار آیات مربوط به ازدواج

انگیزه روکرت را به ترجمه قرآن موجب شد، البته این ترجمه اگر چه مفصل تر بود اما باز ترجمه‌ای کامل نبود. هنگامی که در دهه چهل طرح روکرت برای انتشار ترجمه‌اش با شکست روبه‌رو شد، وی علاقه‌اش را برای به پایان رساندن ترجمه از دست داد و به همین سبب ترجمه مذکور ناقص باقی ماند.^۱ روکرت ترجمه را برای چاپ تنظیم نهایی نکرد و مقدمه‌ای نیز بر آن ننوشت. تنها اسناد باقی مانده از وی پاکوئیس مختصری از نسخه کوبورگ و نسخه‌ای دست نویس و مفصل اما ناقص از ترجمه ارلانگن است.

با وجود آنکه در قرن هجدهم، چهار ترجمه منثور از قرآن انتشار یافت^۲ اما در پایان این قرن و در آستانه قرن نوزدهم، انگیزه ارائه ترجمه‌ای [منظوم] به مانند آنچه شرق‌شناس اهل وین یوزف فن هامر پورگشتال (Josef von Hammer Purgstall) در سال ۱۸۱۱ توصیف کرده بود، رواج یافت: «باید ترجمه‌ای آلمانی از قرآن ارائه داد که نه تنها محتوای متن اصلی بلکه

→

روکرت در شیوه‌های قرانت نیز از فلوجل تبعیت می‌کند که البته فلوجل در همه قرائتهای اسلامی ضعف دارد به مانند: ۷۹/۳ رجوع کنید به:

Bobzin, aa.o XXI, Anm. 43. zur Thematik der Koranerzählung allgemein s. AMBROS, A, "Die Devergenzen zwischen dem Flügel und dem Azhar-Koran", in: WZKM 78 (1988) S. 9-21.

۱. تنها ترجمه‌هایی که در زمان حیات روکرت به چاپ رسیده، دو نمونه کوتاه است که در سال ۱۸۲۴ در (Nürnberg) Frauentaschenbuch 1824 منتشر شده و بخشهایی از سوره ۹۱/۲۱ و سوره ۷۶/۲۸ و ۷۹-۸۲ را شامل می‌شود. ببینید: Bobzin, aa.O, s. VII

2. D. Nerretter, Nürnberg, 1702 (=deutsche Fassung der lat. Übers. von L. Marracci, Paudua ترجمه د. نرنرکه برگردان آلمانی ترجمه لاتینی ماراچی بود. 1698)

ترجمه، Th. Arnold, Lemgo 1746 (=Deutsche Fassung der engl. Übers. von G. sale. London 1734)

تودور آرنولد که برگردان آلمانی ترجمه سبیل بود

M. Megerlin, Frankfurt/M. 1772. ترجمه مگرلین F. Boysen, Halle 1773 (neu bearbeitet durch S. Wahl, Halle 1828) ترجمه بویزین

ببینید:

PERSON, JD., :Al-Koran. 9. Translations of the Koran. b. Translations specific languages, in: EI, BD. 5 (1986), SP. 430-432, ders. Bibliography of translation of the quran into European Languages, in: Arabic Literature to the End of the Umayyad Period. hrsg von Beeston, A.f.l. ua. Cambridge 1983. S. 502-520, 514ff, World Bibliography of Translations of the Meaning of the Holy Quran: Printed Translations 1515-1980. prep. by I. Binark and H. Eren, ed. with introd. by E. Ihsanoglu. Istanbul 1406/ 1986. S. 213-235.

۱. در مخزن الکنوز المشرقیة ج ۲ (۱۸۱۱) ص ۲۵ (Fundgruben des Orients) درآمدی بر ترجمه‌اش از چهل سوره پایانی قرآن به عنوان نمونه‌ای از ترجمه منظوم Bobzin, a.a.O. S XIV zit. nach همچنین در Jahrbücher (Wien) 101 S. 94 (1843) der Literatur پیش از آن هم یوهان کریستین آگوستی (Johann Wilhelm Agusti) بخشهایی از قرآن را به صورت منظوم منتشر نموده بود: Bobzin, a. a.O. S XIII

2. Zit. nach Bobzin, a.s. ix.

۳. برای انعکاس دادن وزن قرآن در ترجمه هوبرت گرمه نیز کوشیده است:

Der Koran, ausgewählt, angeordnet und in metrumdes originals übertragen von Hubert Grimme. Paderborn 1923.

۴. به عنوان مثال در گزیده‌ای از پیامبران عبری و در بازآفرینی شاعرانه زندگی مسیح در انجیل ببینید: KREYNBORG, Herman, "Friedrich Rückert als Interpret Orientalischer Dichtungen", (in: Friedrich Rückert im Spiegel seiner Zeitgenossen und der Nachwelt. Aufsätze aus der Zeit zwischen 1827 und 1986. hrsg. von Wolfdieter Fischer, Wiesbaden, 1988. S. 261-286, 266) und WEISSE, Christian Hermann, Leben Jesu. Evangelien-Harmonie in gebundener Rede von Friedrich Rückert. in: ebd, S. 362-372.

۵. ببینید:

Vgl. Seine Anmerkungen zu Sure 2 sowie Bobzin, a.a.O., S.XXVII

۶. نقل قول از موللز:

"Einleitung", in: Der Koran, im Auszuge übers. von Friedrich Rückert, hrsg. von August Müller, (Frankfurt/M. 1888: Sauerländer) Nachdruck Hildesheim: Gerstenberg. 1980, 16.

۷. بوستینن نگاهی کلی درباره این تغییرات ارائه می‌دهد: Bobzin, a.a.O. S. XXVI Anm 56

شد: خانواده روکرت به مناسبت یکصدمین سالگرد تولدش از آگوست موللر (۱۸۴۲-۱۸۹۲ August Müller) خواست تا به انتشار آن همت گمارد.^۱ موللر در مقدمه‌ای بر این ترجمه به افکار وی درباره ترجمه پرداخت و با استفاده از یادداشت‌های باقی‌مانده از وی بخش توضیحات را تنظیم کرد. با این وجود چاپ سال ۱۸۸۸ که در سال ۱۹۸۰ نیز با حروف چینی مجدد تجدید چاپ شد، از سطح کیفی لازم برای یک تصحیح انتقادی برخوردار نیست.^۲ موللر تا حدی برخلاف اظهاراتش - که در مقدمه می‌نویسد: باید از هرگونه دست بردن در کار شاعر بزرگی چون فریدریش روکرت اجتناب کرد -^۳ در مواضع مختلف متن روکرت را تغییر داده است. برخی از این تغییرات در اثر تلاش وی برای هماهنگ کردن نسخه‌های مختلف ترجمه و برخی نیز به سبب افزودن پی‌نوشت‌ها در متن ایجاد شده است.

پ. بیلکه (P. Bieleke) در سال ۱۹۹۵ بر اساس تصحیح موللر در نشر شخصی، تصحیح روزآمدتری از ترجمه شاعرانه روکرت منتشر ساخت.^۴ تصحیح بیلکه کاری بسیار سطحی است، زیرا وی اسلام شناس نبود بلکه بر اساس آنچه در متن آمده دانشجوی زبان و ادبیات آلمانی در دانشگاه هاینریش هاینه دوسلدورف بوده است. تلاش وی برای تطبیق متن با آلمانی امروز، در به کارگیری قواعد مدرن درست‌نویسی خلاصه شده است (به عنوان مثال

→

Der Koran: Das heilige Buch des Islam. Aus dem Arabischen von Max Henning. Überarbeitet und herausgegeben von Murad Wilfried Hofmann. München: Hugendubel (Diederichs) 1999, S. 11, Anm. 7.

دیگر فضاوتها و نظرات را افراد ذیل عنوان کرده‌اند:

L. WELL-HAUSEN in: *Theologische Literaturzeitung* 14 (Leipzig 1889), Sp. 49f.; M. Klarmorth (s. Bobzin, a. a. O., S. XXXII) und von FR. SCHWALLY in: *Geschichte des Qurans. von Th. Nöldke. 2. Aufl. völlig umgearbeitet von Friedrich Schwally. zweiter Teil. Leipzig 1919, S. 218f. - S. Anm. 12.*

1. S. Anm. 12.

۲. فهرستی از نواقص را بوبتسین ارائه می‌دهد. ببینید:

Bobzin, a.a.O., S. XXVIIIff.

3. Vorwort, s.v.

4. *Der Koran, im Auszug übers. von Friedrich Rückert, Erstausgabe. hrsg. von A. Müller. Frankfurt/M. 1888, behutsam an das heutige Deutsch angepasst. Hrsg. von Orthographie und Zeichensetzung entschieden.*

یا اربت بدون آنکه آنها را ترجمه کند، بی توجه و به سادگی گذر می‌کند. نمونه دیگر آنکه ترجمه روکرت فاقد ۱۵۸ آیه از سوره دوم و ۵۷ آیه از سوره سوم قرآن است. در بسیاری از سوره‌ها نیز تنها مختصری از آیات ترجمه شده و سوره‌های متعددی نیز برگردان نشده است. البته روشن نیست که آیا روکرت به عمد از ترجمه این سوره‌ها سرباز زده یا اینکه او تصمیم داشته است در آینده به ترجمه آنها دست زند.^۱

ارزش بازآفرینی شاعرانه روکرت از قرآن^۲ - که ناقص و کهنه و از دیدگاه علمی از اعتبار افتاده - بی‌گمان در کیفیت زبانی آن است. این که ترجمه روکرت تا چه حد به زیبایی شناسی قرآن نزدیک است، جای بحث دارد. از یک سو عقیده آگوست موللر اولین تدوین کننده ترجمه روکرت قرار دارد که: «برای اولین بار [در این ترجمه] به کسانی که با زبان عربی آشنایی ندارند، نگرشی در کل درست از شکل و ساختار متن اصلی ارائه می‌دهد و نظر آنها را جلب می‌نماید.»^۳ و از دیگر سوی این عقیده کمابیش مغالطه جویانه نیز وجود دارد که فرم شعری انتخاب شده از سوی روکرت برای برگردان قرآن برداشتی نادرست در مخاطب ایجاد می‌نماید. ویلفرید مراد هوفمن (Wilfried Morad Hofmann) مسلمان آلمانی که خودش نیز ترجمه ماکس هنینگ از قرآن را به زبان آلمانی بازنگری کرده است، درباره وزن انتخابی روکرت برای سرودن ترجمه منظوم چنین ابراز عقیده می‌کند که: نتیجه این اشعار تأثیری به مانند اشعار پیش پا افتاده و سرهم بندی دارد.^۴ ترجمه روکرت پس از مرگ او منتشر

۱. در نسخه ارلانگن (Erlangen) سوره‌های ۶۹ و ۷۱ و ۷۸ و ۸۵-۹۰ و ۹۸ و ۱۰۴ وجود ندارد. رک:

Vgl. Bobzin, a.a.O. S.XXVI. Anm. 56

۲. هدف روکرت از ترجمه، ارائه ترجمه‌ای بود که همان تأثیر و جذابیت را در زبان آلمانی داشته باشد. او به دنبال ترجمه‌ای تا حد امکان وفادار با متن اصلی نبود. رک:

Vgl. das Zitat bei KREYNBORG, a.a.O., S. 262

۳. مقدمه در:

Der Koran. a.a.O., S. VII, vgl. "Einleitung", S. 16. Vgl. auch C. Snouck Hurgronjes Rezension in: *Deutsche Literaturzeitung* 9 (Berlin, 1888): Sp. 1538f.

در همین مضمون نیز خانم آنه ماری شیمل درباره روکرت می‌نویسد: ترجمه روکرت تنها ترجمه‌ای است که از آن می‌توان فخامت ادبی و جلوه درخشان زبانی متن اصلی را دریافت. در:

Friedrich Rückert: *Ausgewählte Werke.* hrsg. von Annemarie Schimmel. Frankfurt 1988. 2/111

۴. مراد هوفمن:

←

Der Koran
Das heilige Buch des Islam

Verfasser:
Max Henning
Herausgeber:
Max Henning

Druckort:

خانم آنه ماری شیمل دربارهٔ ماکس هنینگ می‌نویسد:

باید یادآور شد که هویت هنینگ کاملاً روشن نشده است و احتمال می‌رود در پس این نام مستعار، استاد زبان عربی یعنی آگوست موللر قرار داشته باشد که در سال ۱۸۸۸ نیز ترجمهٔ قرآن روکرت را تصحیح و روانهٔ بازار کتاب ساخت.^۱ با در نظر گرفتن این موضوع که موللر در سال ۱۸۹۲ از دنیا رفته است، احتمال مذکور ابطال می‌شود. ماکس هنینگ نامی مستعار نیست، بلکه نام واقعی فردی است که به سال ۱۸۶۱ در رودا (پوزن) (Ruda-Posen) به دنیا آمد. در پایان دههٔ ۹۰ هنینگ

ترجمهٔ چهار جلدی هزار و یک شب را در انتشارات رکلام منتشر ساخت.^۲

هنینگ پس از انتشار ترجمه‌اش از قرآن در انتشارات رکلام از شرق‌شناسی رویگردان شد و از آن پس به ندرت موضوعاتی را دربارهٔ اسلام منتشر می‌ساخت.^۳ طی دو دههٔ اول قرن بیستم، به عنوان مدیر مسئول دو هفته نامهٔ فرانکفورت «سخن آزاد» و به عنوان سخنگو و

قرار دادن حرف t به جای th و از این قبیل تصحیحات).^۱ بیلکه در ضمیمه به روکرت می‌پردازد اما این ضمیمه ناقص است و شگفت‌آور آنکه وی در مقدمهٔ موللر بر ترجمه و نیز توضیحات روکرت همهٔ مواضعی را که به نظرش در آن مواضع خطاهایی فاحش رخ داده، اظهاراتی غیر علمی بیان شده یا به عقیدهٔ او اظهارات موللر با اسلام مطابقت ندارد، حذف کرده است.^۲

چاپ قابل اعتماد و متقنی که اخیراً از ترجمهٔ روکرت روانهٔ بازار کتاب شده است به همت آقای هارتموت بوبتسین (Hartmut Bobzin) در سال ۱۹۹۶ تصحیح شده است.^۳ بوبتسین از تصحیح موللر رویگردان می‌شود و بی‌واسطه به متن اصلی ترجمهٔ روکرت و توضیحات نسخهٔ ارلانگن مراجعه می‌نماید. وی در مقاله‌ای مفصل که با عنوان «فریدریش روکرت و قرآن» به عنوان مقدمهٔ ترجمه آورده است با اطلاعاتی دقیق و به شکلی مبسوط به تاریخچهٔ ترجمهٔ روکرت می‌پردازد. و فیشر ضمیمه‌ای با عنوان «شرح نکات و توضیحات برای فهم بهتر ترجمهٔ قرآن روکرت» تنظیم کرده است. این ضمیمه شامل مقدمه‌ای تاریخی با عنوان «محمد و قرآن» و نیز واژه‌نامه‌ای مختصر دربارهٔ مفاهیم و نامهای قرآنی است.

۲. بیشترین انتشار: ماکس هنینگ (Max Henning)

ترجمهٔ قرآن ماکس هنینگ به سال ۱۹۰۱ توسط انتشارات رکلام در لایپزیک منتشر شد.^۱

۱. بوبتسین با دلایلی روشن با این تغییر علائم و حروف مخالفت کرده است. رک:

Bobzin, a.a.O., S. XXX.

۲. در صفحهٔ ۵۵۴ به روشنی نظر نادرست بیلکه دیده می‌شود که عنوان می‌کند همهٔ نظرات انتقادی نسبت به قرآن که در چاپ سال ۱۸۸۸ آمده است به موللر باز می‌گردد. همچنین سانسور او موجب می‌شود که به عنوان مثال توضیحات روکرت دربارهٔ سورهٔ ۶۷/۲ حذف شود.

3. S. Anm.

4. *Der Koran. Aus dem Arabischen Übertragen und mit einer Einleitung versehen von Max Henning*, Leipzig: Ph. Reclam Jun.

و بلفرید مراد هوفمن (a.a.O.S.9) اعتقاد دارد که انتشار این ترجمه برای اسلام‌شناسی آلمانی یک رخداد تلقی می‌شود. اما مایهٔ شگفتی است که این رخداد در آن زمان در زبان تخصصی رسانه‌ای جلب توجه نکرده و به جای آن همواره این شکایت عنوان شده که هنوز به زبان آلمانی ترجمهٔ درستی از قرآن ارائه نشده است. نگاه کنید به:

FISCHER, A., "Der Wert der vorhandenen Koran-Übersetzungen und Sure 111", in: *Berichte über*

→

die Verhandlungen der Sächsischen Akademie der Wissenschaften zu Leipzig, Phil.-hist. Klasse 89/2 (1937) S. 5f.

تنها مطلبی که استثنائاً دربارهٔ این ترجمه منتشر شد، مطلبی است که اف. سی اندرس (F.C. ENDERS) در ادبیات خاور نزدیک (*Literatur über den Nahen Osten*) در ماهنامه‌های ضمیمه *زوددویچه ساینونگ* منتشر نمود (Leipzig 4 1917-9. 1917 S. 331): «تحصیل‌کرده‌ای که بخواهد دربارهٔ اسلام اطلاعاتی کسب کند باید ابتدا قرآن را بخواند. ترجمهٔ ماکس هنینگ ارزان و خوب است و مقدمه‌ای بسیار زیبا دارد». درست به مانند این ترجمه، ترجمهٔ گریگول (Th. Fr. Grihull. Halle a. S.:hendel 1901) بدون هیچ تأثیرگذاری - هیچ بازتابی نداشت.

1. "Einleitung", in: *Der Koran. Aus dem Arabischen übers. von Max Henning*, Einl. und Anm. von Annemarie Schimmel, durchges. und verb. Ausgabe. Stuttgart: Reclam 1991, 1998, 5.

این احتمال شیمل را بیلکه (P. Bieleke, a.a.O., S. 560) و هوفمن (1. Anm. S. 9 a.a.O.) از او اخذ کرده‌اند.

2. *Tausend und eine Nacht*, aus dem Arabischen Übertragen von Max Henning. Leipzig: Reclam 1895-1900. 60. Auflage. 1980.

۳. به عنوان مثال خانهٔ خدا در مکه در: 16-508 S. (Frankfurt/M. 1916-17) S. 508-16 Das freie Wort 16

←

در آغاز دهه ۶۰ بی‌رقیب بود.^۱ پس از آنکه این نسخه سالها در دسترس نبود، در سال ۱۹۶۰ انتشارات رکلام در اشتوتگارت چاپ جدیدی از آن روانه بازار کتاب ساخت.^۲ در این چاپ، متن ترجمه در شکل آغازین باقی ماند، اما خانم شیمل نکات و توضیحات آن را تصحیح کرد و پیشگفتار و مقدمه‌ای بر آن نوشت.^۳ علاوه بر آن، نسخه مذکور بیوگرافی گزیده و فهرستی از اعلام و اشخاص قرآنی را نیز در تکمله آورده است. انتشارات رکلام در سال ۱۹۶۸ پس از انتقال به لایپزیک ترجمه هنینگ را با بررسی و تصحیح ک. رودولف (K. Rudolph) تجدید چاپ کرد.^۴ این نسخه نسبت به نسخه اشتوتگارت این مزیت را داراست که علاوه بر شماره‌گذاری آیات بر اساس قرآن فولگل، شماره‌گذاری کوفی را نیز مد نظر داشته است. همچنین بخش نکات و توضیحات به طور کلی دوباره از نو تدوین یافته و شامل اطلاعاتی زیربنایی درباره بخشهای مبهم است. در این نسخه همچنین ترجمه آیات گوناگون تصحیح شده که البته در برخی مواضع این تغییرات موفق نبوده است.^۵

دو نسخه مذکور تا دهه هشتاد بارها و بارها تجدید چاپ شده‌اند. پس از اتحاد مجدد آلمان و با توجه به جنگ دوم خلیج فارس و تقاضای زیاد بازار برای عرضه قرآن،^۶ انتشارات

۱. رجوع کنید به:

PARET, Rudi, "Der Plan einer neuen, leicht kommentierten wissenschaftlichen Koran Übersetzung", in: *Orientalistische Studien. Enno Lütmann zu seinem 60. Geburtstag*, hrsg. von R. Paret. Leiden 1935, S. 120; ders. in *OLZ* 50 (1955): Sp. 459-61.

در دهه پنجاه تنها ترجمه‌های پر از اشکال اولمان و جماعت احمدیه رایج بود. همچنین ترجمه جی آبرویر (J. Aubier) که ترجمه‌ای بود از مجموعه‌ای از بخشهای قرآن که در زبان فرانسه توسط ه. مرسیه (H. Mercier) منتشر گردید. (Tanger: Eurafrika 1957) ک. یشکه (G. Jäschke) وضعیت آن زمان را به این شکل توصیف می‌کند: از ترجمه‌های بی‌شمار - و غالباً نارسا - ترجمه ماکس هنینگ از همه بیشتر مورد استفاده قرار گرفت.

("Wissenschaftliche Koranübersetzungen in die europäischen Hauptsprachen", in: *Necati Lugal Armagani*. Ankara, 1968, S. 376f.)

2. *Der Koran*, aus dem Arabischen Übertragen von Max Henning. Einleitung und Anmerkungen von Annemarie Schimmel. Reclam: Stuttgart 1960.

۳. همچنین در این نسخه مقدمه هنینگ به سال ۱۹۰۱ کنار گذاشته شد.

4. *Der Koran*, aus dem Arabischen von Max Henning, Einl. von Ernst Werner und Kurt Rodulph, Textdurchsicht, Anmerkungen, Register von Kurt Rodulph. Leipzig, 1968. Vgl. dazu die Rezension von Paret, Rudi, in: *Der Islam* 46 (1970) S. 66f.

۵. به عنوان مثال در: سوره‌ها/آیات: ۳۲/۲، ۲۴/۲، ۱۷/۱۴.

۶. ببینید مقاله سوزانه مایر در دی سایت با عنوان «دوره‌ای برای قرآن؛ قرآن؛ اسلحه‌ای اعجاز گونه».

بیانیه‌نویس ائتلاف وایمار (Weimarer Kartel) یکی از شخصیت‌های مهم جنبش آزاد فکری آلمان به شمار بود که کتابهای فراوانی بر ضد کلیسای کاتولیک به رشته تحریر درآورده است.^۱ هنینگ در تاریخ ۱۹۲۷/۹/۲۱ در نوی هالدنزلین (Neuhaldensleben) از دنیا رفت.^۲ مخاطب نسخه مستقل هنینگ آکه وابسته به سایر ترجمه‌های قبلی نیست، بر اساس آنچه که در مقدمه چاپ سال ۱۹۰۱ آمده است، عوام و دانشجویان مبتدی هستند که می‌خواهند گامی در شناخت مشرق زمین بردارند. هدف اصلی در این ترجمه بازگرداندن محتوای متن است؛ بنابراین به قوافی و وزن متن اصلی توجهی نشده است. ترجمه مطابقت تنگاتنگ با نحو عربی دارد. به عنوان مثال هنینگ در ترجمه آیه ۴ از سوره ۱۴ (ابراهیم)، برگردان را درست بر اساس قاعده مستثنی و مستثنی منه در زبان عربی انجام می‌دهد؛ حال آنکه این برگردان در زبان آلمانی اطنابی مخمل می‌یابد:

«Und nicht entsandten Wir einen Gesandten es sei denn mit der Sprache seines Volkes, um ihnen (unsre Offenbarung) deutlich zu machen»

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا يَلْسِنَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ...

از آنجا که مترجم با توجه به مخاطب مورد نظرش از توضیحات اضافی و غیر ضروری اجتناب کرده است، ترجمه‌ها نوعی وضوح را القا می‌کنند که در بسیاری از مواضع با متن اصلی مطابقت ندارد. نکاتی که هنینگ به طور نامنظم و در متن می‌گنجاند، برداشت از قرآن را دچار مشکل نمی‌سازد، بلکه علی‌القاعده به این دلیل اضافه شده‌اند که برداشت او به وسیله موادی از تفاسیر و یا اشاراتی از انجیل تکمیل شود.

با در نظر گرفتن تعداد تجدید چاپ‌ها و بررسی‌ها در نسخه هنینگ باید آن را موفق‌ترین ترجمه قرآن خواند. بخشی از این موفقیت بی‌گمان مدیون این واقعیت است که

۱. با این پیش‌زمینه سخن طنزآمیز هوفمن (a.a.O. S. 19) که ادعا کرده است هنینگ به عنوان مسیحی، عقاید یهودی-مسیحی را در ترجمه قرآن وارد کرده است، از میان برداشته می‌شود.

۲. ببینید:

Kürschners Deutscher Literaturkalender, Nekrolog. 1901-1935, hrsg. von Gerhard Lütke. Nachdruck der Ausgabe von 1936. Berlin-New York 1937. Sp. 285.

۳. کار هنینگ بر اساس نسخه قرآن تصحیح فولگل است، بنابراین درباره وی نیز آنچه که در خصوص روکرت بیان شد، صدق می‌کند.

وی منتشر شد.^۱ هوفمن که در مقدمه، خود را مسلمان معتزلی^۲ و خردگرا معرفی می‌کند، در متن هنینگ دست می‌برد.

برخی از این دخل و تصرف‌ها ظاهری هستند: شماره‌گذاری آیات بر اساس تقسیم‌بندی کوفی انجام شده است و شماره‌گذاری بخشها برای کنار هم قرار دادن آنها بر اساس نسخه قاهره عمل شده است. در این نسخه نیز مانند چاپ رکلام در سال ۱۹۹۱ ضمیری که به الله بر می‌گردند با حروف درشت شروع می‌شوند و علاوه بر آن، همه پی‌نوشت‌ها از نو تنظیم شده‌اند. هوفمن همچنین متن هنینگ را تغییر داده و هدف او از این تغییرات آن بوده است که متن را از نثر بیش از حد پرطمطراق ترجمه‌های کتاب مقدس مسیحیان جدا سازد. و این بدان معنی است که متن را از سبک واژگانی فخیم به سبک زبانی عامه نزدیک نماید بدون آنکه ترجمه را به ابتذال بکشاند.^۳ نوسازی جمله‌ها همه آیات را شامل می‌شود. از دیگر سوی، هوفمن از مفاهیم مورد نظر هنینگ عدول می‌کند تا بر اساس محتوا برای هر مفهوم، چند مفهوم متناسب آلمانی را عرضه دارد.^۴ در برخی مواضع ترجمه هنینگ را تصحیح می‌کند^۵ و در دیگر مواضع به سبب دلایل کلامی ترجمه تازه‌ای را برمی‌گزیند.^۶ حاصل کار هوفمن

رکلام تصمیم به تجدید چاپ نسخه اشوتو نگارت (چاپ ۱۹۶۰) و تصحیح و بررسی مجدد آن گرفت.^۱ این نسخه از شمارش آیات کوفی پیروی می‌کرد که در قلاب‌ها، ترتیب آیات فلوگل مربوط به سال ۱۸۳۴ افزوده شد. جای تأسف است که انتشارات در نسخه تدوین شده سال ۱۹۹۱ توضیحات کامل ک. رودولف را از نسخه لایپزیک نگنجانده و صرفاً به نکات و توضیحات هنینگ بسنده کرده است. ذکر این نکته نیز ضروری است که در بخش بیوگرافی گزیده، این چاپ فاقد توضیحات مبسوط و روزآمد آ. نوئیویرت (A. Neuwirth) و ج. ونزبرو (J. Wansbrogh) است. دلیل دیگر موفقیت ترجمه هنینگ این است که به سبب نزدیک بودن ترجمه با نحو عربی، از نظر مسلمانان این نسخه به عنوان نسخه‌ای قابل اعتماد شناخته شده است.^۲ از این رو در سال ۱۹۹۱ مسلمان آلمانی احمد شمیده (H. Ahmad Schmiede) برای تنظیم قرآن عربی - آلمانی مؤسسه جماعت ترکی - اسلامی برای دین در آلمان (DITIB) از نسخه هنینگ استفاده کرد.^۳ در سال ۱۹۹۸ نیز به همت انتشارات چاقری یاینلری (Cagri Yayinlari) در استانبول نسخه‌ای تازه از آن با تصحیح و بررسی مراد ویلفرید هوفمن و با مقدمه‌ای از

→

MAYER, Susanne. "Zeit für den Koran. Die Wunderwaffe" in *Die Zeit* 8 (15.2.1991), S. 75.

۱. در چاپ تازه این قرآن به سادگی می‌توان به متن هنینگ دست یافت. ضماین شخصی که به خداوند بازمی‌گردند در این نسخه همه با حروف درشت نوشته شده‌اند و نامهای خاص عربی بر اساس قواعد انجمن خاور زمین آلمان در متن گنجانده شده‌اند.

۲. ببینید:

Schimmiel, A., "Vorwort" in: *Der Koran*, Reclam 1998, a.a.O., S. 6. Vgl. auch Hofmann, a.a.O., S. 9 u 21.

و همچنین بر جاذبه ادبی ترجمه نیز می‌افزاید.

۳. *Der gudenreiche Koran*, Originall text mit deutscher Übersetzung, hrsg. von Achmed Schmiede. Ankara: Türkisch-islamische Union der Anstalt für Religion e. V (DITIB) 1991, 1995.

در این چاپ جزئیات نیز مطابق با نسخه هنینگ است اما روش شماره گذاری فلوگل با شماره گذاری کوفی جایگزین شده است. ترجمه به دنبال متن عربی می‌آید و به همین سبب از سمت راست آغاز می‌شود. برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر درباره DITIB رجوع شود به:

Sulerstegemann, Ursula, *Muslimen in Deutschland. Nebeneinander oder Miteinander*, Freiburg, 1998, S. 111ff.

احمد شمیده، متولد ۱۹۳۵ از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۴ دبیر در مرکز اسلامی مونیخ بود که مجله اسلام را منتشر می‌ساخت و سپس فعالیتش را با جماعت اسلامی - ترکی آغاز کرد.

1. *Der Koran: das heilige Buch des Islam*, aus dem arabischen von Max Henning überarb und Einl. von Murad Wilfried Hofmann. Istanbul: Cagri Yayinari, 1998.

برای مطالعه زندگی مراد هوفمن ببینید: کتاب او با عنوان سفر به مکه: یک آلمانی در اسلام زندگی می‌کند. (*Reise nach Mekka: ein Deutscher lebt den Islam München*, Diedrichs 1996) و همان: الحمد لله، مسلمانی با اصلیت آلمانی، آلمانی که الله هدایتش کرد. (hrsg. M. Rassoul. Köln: islamische Bibliothek, 1982, S. 44-50)

۲. هوفمن بر اساس سنت معتزله بر این ضرورت تأکید می‌نماید که در قرآن باید همه چیز را به ویژه آنچه را که به جهان غیب مربوط می‌گردد، به صورت رمزی و تمثیلی به عنوان نمادهایی از یک حقیقت بلاواسطه در نزد ما فهم کرد. (S. XIV) داستانهایی را که روایات تاریخی کهن هستند، نباید فقط به عنوان گزارشهای تاریخی فهم کرد بلکه آنها ویژگی آرکیئیب و فرا زمانی دارند. نباید قرآن را به عنوان دایره المعارف علوم طبیعی دانست، بلکه قرآن شامل همه چیزهایی است که دانستن آنها برای ما ضروری است و البته به طور دقیق‌تر برای حوزه دینی انسان (S. XIV). البته با این وجود هوفمن از برخی تفسیرهای علمی متن قرآن صرف‌نظر نمی‌کند. نگاه کنید به: توضیحات مربوط به آیات و سوره‌های ۴/۱۱۹، ۲۱/۳۰، ۲۴/۴۵، ۲۷/۶۱، ۳۰/۴۱، ۳۹/۶، ۵۱/۲۷، ۹۶/۲.

3. Einführung, S. XXI.

4. ebd.S.XXII.

۵. به عنوان مثال در سوره بقره، آیه ۲۳: سوره آل عمران، آیه ۱۱: سوره قصص، آیه ۱۱. در برخی مواضع نیز همچنان اشتباهات هنینگ را باقی گذاشته است (به عنوان مثال، سوره بقره، آیه ۲۹: سوره ابراهیم، آیه ۹). در جاهای دیگر، در مواضع اندک او خود اشتباهاتی را وارد می‌سازد (به عنوان مثال سوره بقره، آیه ۲۶).

۶. به عنوان مثال ارواح مطهّرة (در آیات ۲۵ سوره بقره: ۱۵/ آل عمران، ۵۷/ نساء)، ترجمه هنینگ: reine Gattin.

متأخر مورد انتقاد واقع شده است. ترجمه گلداسمیت فاقد مقدمه و پیشگفتار است و توضیحاتش درباره متن نیز در بخش نکات آمده است. با توجه به اطلاعاتی که گلداسمیت از دین یهود داشت، انتظار می‌رفت وی اطلاعات جالبی به ویژه از منظر زبان‌شناسی در ترجمه خود بگنجاند، اما توضیحات وی از حد استاندارد دی که نژدکه در جلد دوم کتاب تاریخ قرآن (۱۹۰۹) آورده نیز بسیار پایین‌تر است.^۱ این ترجمه که در شماره گذاری آیات از قرآن فلوگل پیروی می‌کند، بسیار غیر قابل اعتماد است و با ترجمه هنینگ قابل مقایسه نیست.

۴. ترجمه قرآن به عنوان ابزاری برای تبلیغ: قرآن احمدیه

از سال ۱۹۵۴ ترجمه‌ای از قرآن به زبان آلمانی عرضه شد که جماعت مسلمان احمدیه آن را منتشر ساخته بود.^۲ بنیانگذاری فرقه احمدیه به میرزا غلام احمد (۱۸۳۵-۱۹۰۸) از قادیان پنجاب باز می‌گردد. سؤال مطرح شده درباره مقام و مرتبه وی پس از مرگ نخستین خلیفه‌اش در سال ۱۹۱۴، این جماعت را به دو دسته منشعب ساخت. اقلیت مستقر در لاهور - انجمن احمدیه انشانات اسلامی - او را به عنوان یک مصلح قلمداد کرد،^۳ اما اکثریت جماعت اسلامی

→

در آغاز دهه بیست گلداسمیت ترجمه‌ای آلمانی از تورات را نیز عرضه کرد:

s. WHER, Gerhard, *Martin Buber*, Reinbek, 1968. S. 101.

۱. پارت نیز در سال ۱۹۳۵ با توجه به کمبود در نسخه معتبر ترجمه آلمانی قرآن این موضوع را یادآور می‌شود: ترجمه منتشر شده در سال ۱۹۱۷ توسط لازاروس گلداسمیت بسیار اندک به تفسیر زبان‌شناسانه متن پرداخته است تا اینکه بخواهد این نقصان را جبران نماید.

2. *Der Heilige Qur-an. Arabisch-Deutsch versehen mit einer ausführlichen Einführung unter der Leitung von Hazrat Mirza Bashiruddin Mahmud Ahmad, Zweiter Kalif des verheissenen Messias, Oberhaupt der Ahmadiyya Bewegung des Islams.* Hrsg. Ahmadiyya-Mission des Islams im Auftrag von The Oriental and Religious Publishing Corporation, Rabwah (Pakistan). Wiesbaden: Harrassowitz, 1954.

۳. انجمن انشانات اسلامی از ابتدا در برلین فعال بود که تأسیس مسجد ویلمرزدورف در برلین به سال ۱۹۲۴ به آنان باز می‌گردد. رجوع شود به: ABDULLAH. M. S: *Geschichte des Islams in Deutschland*, Graz, 1981. S. 28ff اولین ترجمه قرآن توسط یک مسلمان به زبان آلمانی توسط امام آن مسجد در آن روزگار مولانا صدرالدین که خودش شاگرد میرزا غلام احمد بود شکل گرفت (رجوع شود به مقدمه XI): *Der Koran: Arabisch-Deutsch Übersetzung, Einleitung und Erklärung von Maulana Sadr-ud-din*. Berlin: Verlag der Moslemischen Revue, 1939, 1964 اینک مولانا صدرالدین تا چه اندازه در ترجمه انگلیسی انجمن

←

متنی بسیار روان است، ولی جای پرسش دارد که آیا با این تصحیح دو ویژگی مثبت ترجمه هنینگ که هوفمن بدان سبب آن متن را به عنوان متن مبدأ در نظر گرفته، از بین نرفته است؟ این دو ویژگی مثبت خود عبارت بودند از نزدیکی به نحو عربی و همچنین دارا بودن سبک و سیاق ادبی.^۱ ترجمه هنینگ با تصحیح هوفمن سال ۱۹۹۹ در انتشارات دیدریش تجدید چاپ شد^۲ که مقدمه آن از نظر سبکی تاحدی روان‌تر است و در آن اشتباهات چاپ استانبول تصحیح شده است.^۳

۳. نسخه‌ای غیر قابل اعتماد: لازاروس گلداسمیت (Lazarus Goldschmidt)

ترجمه قرآن لازاروس گلداسمیت در حال حاضر توسط دو ناشر: بستر مونتس (Bechtermuenz) و فوریر (Fourier) با چاپ یکسان و بدون تصحیح عرضه می‌شود.^۱ گلداسمیت (۱۸۷۱-۱۹۵۰) به عنوان سامی‌شناس و یهودشناس شناخته شده بود. او همچنین ترجمه‌هایی از زبان عبری و اتیوپیایی انجام داده است.^۵ ترجمه وی از کتاب آفرینش تلمود

→

هوفمن: (reine Partner (geschlechtsindifferent). عبارت عهد الله (سوره / آیه ۲۷/۲، ۱۵۷/۳، ۱۵۲/۶): هنینگ: Bund Allahs، هوفمن: Versprechen gegenüber Allah؛ واژه اصل (۴/۸۸، ۴/۱۴، ۲۹/۳۰): هنینگ: irreführen؛ هوفمن: ergehen lassen. هوفمن این تغییرات را در توضیحات یادآور می‌شود. دو کنار نظریه ضد تناسخ که هوفمن در ترجمه آیه ۲۹ سوره بقره نماینده آن است او معتقد است که در قرآن هیچ آیه‌ای ناسخ و منسوخ نیست (رک: توضیحات مربوط به ۱۰۶/۲، ۷/۸۷) تنها این نکته ذکر می‌شود که هوفمن در این نکات موافق نظر جماعت احمدیه است.

1. Einführung, S. XXIII.

2. S. Anm. 17.

3. So zu 2.4 u 2.26.

4. *Der Koran. El Koran, das heißt Die Lesung. Die Offenbarungen des Mohammed ibn Abdallah des Propheten Goutes*, zu Schrift gebracht durch Abdelkaaba Abdallah Abu-Bekr, übertragen durch Lazarus Goldschmidt im Jahre der Flucht 1134 oder 1916 der Fleischwerdung. Leipzig-m. Ostrau: Julius Kittls Nachf. oj. 1917, Berlin, 1923, Ostrau 1935, Wiesbaden: Fourier 1995, Bechtermünz.

5. Sefher Jesirah. *Das Buch der Schöpfung*, hrsg. und übers. von Lazarus Goldschmidt, Nachdruck Darmstadt 1969. Dazu Maier, Johann. *Geschichte der jüdischen Religion*, Freiburg, 1992, S. 165.

←

احمدیه او را به عنوان جانشین پیامبر اسلام و مسیح آخرالزمان پنداشتند و ضرورت وجود خلیفه را تعلیم می‌دادند.^۱

جماعت اسلامی احمدیه تا سال ۱۹۴۷ در قادیان ماند^۲ و سپس به زُویه در پاکستان تغییر مکان داد. این جماعت خود را به عنوان تنها جامعه اسلامی می‌دانست که اسلام واقعی را ترویج می‌دهد و خود را از سایر فرقه‌ها جدا ساخت. از سوی دیگر سنت گرایان نیز این جماعت را فرقه ضاله قلمداد کردند و بدین ترتیب پارلمان پاکستان در سال ۱۹۷۴ تصویب کرد که این فرقه مسلمان نیستند و این تصمیم نیز بعدها از سوی اتحادیه جهانی اسلام تأیید شد. پس از این فرمان تبعیض آمیز رئیس این جماعت میرزا طاهر احمد در سال ۱۹۸۴ مرکز این جماعت را به لندن منتقل کرد. بر اساس اطلاعات ارائه شده از سوی آنها، این فرقه ده میلیون پیرو دارد که پنجاه هزار نفر آنان در آلمان زندگی می‌کنند.^۳

وسيلة مهم تبلیغ دینی این فرقه ترجمه قرآن است که به پیروی از سنت اسلامی، ترجمه مقابل متن عربی قرار گرفته است.^۴ بدان سبب که جماعت احمدیه آیه بسم الله الرحمن

→

که توسط محمد علی در سال ۱۹۲۸ در لاهور انجام گرفت، نقش داشته است، موضوعی است که جای پژوهش دارد. انجمن متمایز از گروه اکثریت، بسم الله را به عنوان یک آیه در سوره اول نمی‌شمارد تا تعداد آیات در عدد ۷ بماند.

۱. رجوع شود به:

SCHMUCKER, Werner: "Sekten und Sondergruppen. 5. Ahmadiis", in: *Der Islam in der Gegenwart*, hrsg. von Werner Ende und Udo Steinbach. 4. Aufl. München, 1996, S. 681ff.

SPULER-STEGEMANN, a.a.O., S. 56ff. AHMED, Munir: "Ausschluss der Ahmadiyya aus dem Islam: eine umstrittene Entscheidung des pakistanischen Parlamentes", in *Orient*, 16/1 (1975), S. 112-143, Abdullah, a.a.O., S. 52-61, sowie die Selbstdarstellungen von Sheikh Nasir Ahmed, *Ahmadiyya: eine Bewegung des Islams*, Frankfurt: Der Islam, 1993. HÜBSCH, Hedayatullah, *Islam, 99. Fragen und Antworten zum Islam. Informationen ohne Indoktrination*. Nienburg: Betzel, 1998.

۲. به همین سبب با توجه به خاستگاه این فرقه، از سوی مخالفانشان به عنوان قادیانی خوانده شدند.

۳. تعداد آلمانیهایی که به این مذهب گرویده‌اند بسیار اندک است و حدود ۴۰۰ نفر تخمین زده می‌شود:

SPULER-STEGEMANN, a.a.O., S. 56.

۴. پیش از پایان جنگ دوم جهانی، دومین خلیفه میرزا بشیرالدین محمود احمد (وفات به سال ۱۹۵۶) بر آن شد که قرآن را نخست به هفت زبان مهم (که در آن میان آلمانی نیز بود) ترجمه کند. جانشین وی حافظ میرزا نصیر (وفات ۱۹۸۹) در سال ۱۹۷۳ تصمیم گرفت برای پروژه بزرگداشت با هدف گرامیداشت صدمین سال تأسیس احمدیه (۱۹۸۹) قرآن را به صد زبان ترجمه کند. رجوع کنید به:

←

الرحیم را جزو آیات به حساب می‌آورد، در شماره گذاری آیات (بغیر از سوره ۱ و ۹) در قیاس با ترجمه همواره یک شماره بیشتر است.^۱ ترجمه آلمانی قرآن احمدیه در سال ۱۹۵۴ منتشر شد که البته تاریخچه پیدایش آن طولانی است. نمی‌توان به طور مستقیم دریافت که چه کسی آن را ترجمه کرده است. در مقدمه چاپ دوم از ماکس فرای هوفر (Max Freihofer) به عنوان مشاور نام برده شده است. در مقدمه چاپ جیبی نیز آمده است: این [ترجمه] با همکاری جماعتی از علمای اسلام و با همکاری مؤسسه گوتته بررسی و بارها بازنگری و تصحیح شده است.^۲

مقاله‌ای که شیخ ناصر احمد در مجله *الاسلام* (نشریه جماعت احمدیه) به چاپ رسانده است، مقاله‌ای جالب توجه است.^۳ در این مقاله وی در مقابل ادعای عامدانه و سفسطه گرانه فاطمه کریم موضع گیری می‌نماید. فاطمه کریم (Fatima Grimm) مطرح ساخته بود^۴ که این ترجمه را فردی آلمانی به نام کورت تیلناک (Kurt Tiltak) به انجام رسانده و سپس به جماعت احمدیه سپرده است؛ اما این سفسطه گری بدانجامی انجامد که شیخ ناصر در پاسخ خود تأکید می‌نماید که ترجمه قرآن احمدیه اولین ترجمه موثق قرآن است که مسلمانان خود آن را به طور مستقیم از زبان عربی به زبان آلمانی برگردانده‌اند. بر اساس اطلاعاتی که وی ارائه می‌دهد، شرکتی در انگلستان در اواخر دهه چهل، پیش‌نویس ترجمه‌ای آلمانی را از ترجمه‌ای انگلیسی که به عقیده او بسیار خوب بوده ارائه داده است.

طرح اولیه ترجمه آلمانی در آغاز قابل چاپ نبود و از این رو شیخ ناصر در فاصله سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۴ این متن را کلمه به کلمه با متن عربی مطابقت داده و هزاران تغییر و اصلاح در

→

Sheikh Nasir Ahmed, a.a.O., S. 70f., 85f. Vgl. allg. AHMED, Munir D., "Die Stellung des Koran in der Ahmadiyya Theologie", in: *XIX. Deutscher Orientalistentag, Vorträge*, hrsg. von Wolfgang Vogt. Wiesbaden, 1977, S. 319-330, HÜBSCH, a.a.O. S. 29-40.

این نکته نیز قابل ذکر است که از نظر احمدیه زبان عربی زبان اولیه و آغازین بشر است.

۱. همچنین در نسخه احمدیه به مانند قرآن قاهره از روش قرانت حفص از عاصم پیروی شده است.

2. Vorwort zur Taschenbuch-Ausgabe, 1989, S. 3.

3. "Die Arabisch-deutsche Ausgabe des Heiligen Qur-ans", in: *Der Islam* 63 (Frankfurt: September 1997) S. 42-43.

4. Zu Ihr s.u.

□ ۹۵ نگاهی به ترجمه‌های حاضر قرآن به زبان آلمانی

۳۷ (احمدیه ۳۸) و یا «Bonzen» به معنای ارباب یا ثروتمند در سوره بقره آیه ۱۴ (احمدیه ۱۵) ترجمه شده است. در مقدمه چاپ جیبی قرآن احمدیه چنین آمده است: «ترجمه‌ای که اینجا پیش رو دارید علاقه و اقبال دنیای اسلام را به سوی خویش برانگیخته است. از علمای دانشگاه الازهر تا مسلمانان آلمانی زبان با وجود کار ناقص ما آن را خواندنی‌ترین و بهترین ترجمه آلمانی قلمداد کرده‌اند». البته باید این ادعا را خوشبینانه‌ترین صورت تنها یک آرزو قلمداد کرد.^۱

البته چنین ترجمه‌هایی تا جایی معتبرند که بدانیم برای بیان فهم دینی فرقه احمدیه به کار رفته‌اند. با وجود این آگاهی به نظر می‌رسد که انتشارات هاینه (Heyne) که در سال ۱۹۹۲ چاپ این ترجمه را در دستور کار خود قرار داد، می‌خواست خواندگانش را از اطلاع یافتن نسبت به این موضوع محروم سازد.^۲ خاستگاه این ترجمه را به آسانی می‌توان از روی عنوان آن دریافت. در مقدمه پر غلط و پیش پا افتاده آن درباره احمدیه چیزی به چشم نمی‌خورد و از این گذشته در مجموعه توضیحات احمدیه آن دست از نکاتی که اشاره به تعبیری از قرآن بر اساس اعتقاد خاص آنان دارد، حذف گردیده است. از آنجا که نسخه چاپ هاینه خود را به عنوان سندی برای اعتقادات فرقه احمدیه عنوان نمی‌کند و ترجمه‌ای انتقادی را نیز ارائه نمی‌دهد، برای مطالعات قرآنی مناسب نیست.

۵. لیون اولمان (Lion Ullmann): فقط ترجمه لفظی

یکی دیگر از ترجمه‌های قرآن را انتشارات گلدمن ارائه داده است.^۳ این ترجمه را که خاخام لیون (نه لودویگ که بعدها انتشارات گلدمن Goldmann آن را این گونه نامید) در سال ۱۸۴۰ به پایان رساند. اولمان (۴۳-۱۸۰۴) در کرفلد (Krefeld) می‌زیست.^۴ اگرچه این ترجمه در آغاز این قرن بیش از سایر ترجمه‌های قرآن به زبان آلمانی رواج و نشر یافت،^۵ اما از منظر

آن می‌گنجاند. این نسخه در سال ۱۹۵۴ برای اولین بار و در سال ۱۹۵۹ برای بار دوم به صورت تصحیح شده به چاپ می‌رسد.

نسخه احمدیه که بعدها نیز دوباره به صورت مختصر و اندک تصحیح شده است اکنون در دو چاپ موجود است.^۱

این ترجمه در بسیاری از مواضع از متن هنینگ پیروی می‌کند که البته متن ترجمه هنینگ در موارد متعددی تصحیح نیز شده است.^۲ متن ترجمه کاملاً متأثر از فهم فرقه احمدیه از اسلام است. به عنوان نمونه می‌توان به ترجمه واژه عربی «الأخرة» اشاره کرد که طبق معمول گاهی به عنوان «دیگر سو» «Jenseits» و گاهی به عنوان «آنچه در آینده رخ می‌دهد» «Zukunftiges» ترجمه شده است و اشاره به رسالت و پیام غلام احمد دارد. به عنوان مثال در سوره بقره آیه ۴ (در ترجمه احمدیه ۵)، سوره بقره آیه ۲۲۰ (۲۲۱) و سوره انعام، آیه ۹۲ (۹۳) می‌توان این مورد را مشاهده نمود. آموزه ویژه احمدیه که معتقدند مسیح به صلیب کشیده نشده بلکه عمری طولانی داشته و سپس در کشمیر از دنیا رفته است، در سوره آل عمران آیه ۵۵ (احمدیه ۵۶) سوره نساء از آیه ۱۵۷ (۱۵۸) به بعد به صورت غیر مستقیم مشهود است. علاوه بر آن عقیده احمدیه مبنی بر اینکه قرآن را باید تأویل‌گونه شرح داد،^۳ در واژگان نیز نمود یافته است. به عنوان مثال، واژه شیطان «Eraufgänger» به معنای جسور در سوره ص آیه

1. *Koran. Der Heilige Quran. Arabisch und Deutsch*, 6. überarb. Aufl. hrsg. unter Leitung von Hazrat Mirza Tahir Ahmad. Ahmadiyya Muslim Jamaat 1996.

این ترجمه دارای مقدمه مفصل از میرزا محمود احمد، سومین خلیفه احمدیه است که تصویری خوب از فهم احمدیه از اسلام ارائه می‌دهد.

Koran. Der Heilige Quran. Arabisch und Deutsch, 5. überarbeitete Taschenbuchausgabe, hrsg. unter Leitung von Hazrat Mirza Tahir Ahmad, Imam und Oberhaupt der Ahmadiyya Muslim Jamaat in der Bundesrepublik Deutschland Frankfurt: Der Islam, 1998.

هر دو نسخه دارای بخش توضیحات و ضمیمه هستند.

۲. رجوع کنید به:

"Die Rezensionen von HENTIG, W-O. von Der Koran deutsch", in: *Zeitschrift für Geopolitik* 25 (Darmstadt 1954), S. 500-501, PARET, R. in: *OLZ* 50 (1955), Sp. 459-61, BAUSANI, A., "Short notes on some recent translations of the Quran", in: *Numen* 4 (1957), S. 75-81.

۳. در این باره رجوع شود به:

HÜBSCH, a.a.O., S. 34ff.

1. HÜBSCH, a.a.O., S. 34ff.

2. *Der Koran, vollständige Ausgabe*, mit einem Vorw. von Thomas Schweer, München, 1992.

3. *Der Koran*. Aus dem Arabischen wortgetreu übersetzt und mit erläuternden Anmerkungen versehen von Dr. Ullman. Bielefeld-Leipzig: Velhagen und Klasing. 1840.

4. Bobzin, a.a.O., S. XXXI.

۵. در سال ۱۸۹۷ تازه‌ترین جلد آن منتشر شد.

اما از آنجا که ترجمه اولمان شماره گذاری آیات را فاقد بود، در این نسخه از شماره گذاری قرآن احمدیه استفاده شده که البته به آن اشاره نشده است. بسیاری از اشتباهات اولمان همان گونه دست نخورده باقی مانده‌اند، در حالی که معمولاً در سایر ترجمه‌ها چنین آیاتی درست ترجمه شده‌اند؛ به عنوان مثال (سوره ابراهیم / آیه ۱) (احمدیه ۲). علاوه بر آن وینتر نتوانسته است میان مفاهیم مختلف در هر یک از واژه‌های عربی تمایز قائل شود و از این رو همه آنها را در متن خود بدون شرح و تفسیر جمع کرده است. (به عنوان نمونه سوره یوسف / آیه ۲۹ (۳۰ احمدیه) سوره ابراهیم / آیه ۵ (۱۶ احمدیه) سوره هود آیه ۴ (۱۵ احمدیه).^۱ همچنین در مقدمه وینتر نیز می‌توان اشتباهاتی را مشاهده کرد به عنوان مثال اینکه وی کعبه را مسجدی مقدس در مکه می‌خواند و یا معتقد است که امروزه اسلام به وسیله فرقه احمدیه اشاعه می‌گردد. به روشنی می‌توان دریافت که وینتر درباره اسلام اطلاعات تخصصی و عمیقی نداشته است.

هدف تجدید نظر دیگری که در سال ۱۹۷۰ بدون هیچ سر و صدایی انجام گرفته و هنوز نیز این ترجمه در بازار موجود است،^۲ این نبود که اشتباهات مقدمه رفع گردد (مطالب مربوط به کعبه باقی ماند اما مطالب مربوط به فرقه احمدیه حذف گردید). بلکه تجدید نظر تنها بدان سو، سوق یافته است که آهنگ ضد اسلامی آن ملایم‌تر گردد. ارجاعات به منابع وینتر حذف شده است و نام وینتر به صورت «ال - و - وینتر» خلاصه شده است. در این کوشش علاوه بر اینکه ترجمه از نظر زبانی سست گردیده، مصحح ناشناس اغلاط دیگری را نیز بر آن افزوده است. به عنوان مثال در سوره بقره آیه ۱۷ جایی که او برای یکسان کردن حالت افعال به صورت جمع یا مفرد در آنچه که در نسخه اصلی اولمان - وینتر درست ترجمه شده است دچار اشتباه می‌شود.

→

معایب ویژه این ترجمه تأثیری است که از تمایلات تبلیغی حاکم و ترجمه غیر علمی تبلیغی احمدیه در نسخه وینتر مشهود است.

۱. به عنوان مثال در سوره ابراهیم، آیه ۵: «... و ذکرهم بایام الله... که هنینگ آن را درست ترجمه کرده است: و به یاد آورند ایام خدا را، اولمان آن را ترجمه کرده است: و به یاد آور نعمت‌های پیشین خدا را. با این پی نوشت که: از نظر واژگان: به روزهای خدا؛ اولمان وینتر ۱۹۵۹ / ۱۹۷۰: و به یاد آور روزهای خدا را و نعمت‌های پیشین خدا را.

2. Der Obris-Verlag, München, 1999.

بسیاری از اسلام‌شناسان به عنوان کار ابتدایی و تکلیف مدرسه‌ای به حساب آورده شد؛^۱ چرا که این ترجمه دارای اغلاطی بسیار فاحش است. به عنوان مثال می‌توان به ترجمه عبارت قرآنی «الی صراط العزیز الحمید» اشاره کرد (سوره ابراهیم آیه ۱) که اولمان آن را نه به عنوان ترکیب اضافی (هینینگ: auf den Pfad des Mächtigen, des Rühmenswerten) بلکه به عنوان ترکیب وصفی به کار می‌برد: «Auf den schönsten und herrlichen Weg». اولمان «عزیز» و «حمید» را صفت صراط می‌داند. از آنجا که اولمان قصد داشت کتابی جداگانه درباره قرآن بنویسد و در حین انجام این پروژه از دنیا رفت،^۲ ترجمه سال ۱۸۴۰ فاقد مقدمه است.^۳ نگاه کنجکاوانه نشان می‌دهد که اولمان نه این آیات را شماره گذاری کرده و نه در بخشهای مختلف تقسیم‌بندی نموده است به گونه‌ای که گویی به قول وایل (Weil) خواننده در چاپ ریز و درهم و پراکنده آن به بیابان قدم نهاده گم می‌شود.^۴

انتشارات گلدمن در سال ۱۹۵۹ این ترجمه را با تصحیح لئو واین من - وینتر، دوباره روانه بازار نشر کرد.^۵ اشکالات این ترجمه در بررسی و تحقیق وینتر - که در اسلام‌شناسی فردی شناخته شده نیست - نه تنها بر طرف نشد بلکه بر آن افزوده نیز شد؛ هر چند که وی ادعا می‌کند، برای تنظیم آن به ترجمه‌های هنینگ و احمدیه نیز نظر داشته است.^۶

۱. فهرست نویسندگانی که چنین نظری داشتند، طولانی است که باید مجموعه‌ای از شخصیت‌شناسی شرق‌شناسان قرن نوزدهم آلمان را فهرست کرد: وایل، گ (Weil, G.) در کتاب سال ادبیات مایدلبرگ (*Heidelberger Jahrbuch der Literatur* 33 Heidelberg, 1840, S. 934-971) «کاری ناموفق و بی‌اعتبار»؛ فلاشر، اچ (Fleischer, H.) در روزنامه عمومی ادبیات، مارس ۱۸۴۱، Sp. 418 (*Allgemeine Literatur-Zeitung*, März 1841, Sp. 418)؛ فن هامر بورگشتال (*Hammer-Purgstall*) در: کتاب سال ادبیات ۱۰۱ (وین، ۱۸۴۳) (101. S. 47-102) (*Jahrbücher der Literatur*) این ترجمه چیزی بیشتر از یک ترجمه لفظی نیست؛ نولدکه، تئودور (Nöldke, Th) در (*Literarisches Centralblatt*, Leipzig, 1865, Sp. 73)؛ خواننده بیچاره هیچ مفهومی از این ترجمه در نمی‌یابد؛ شوالی، اف ار (Schwally, Fr) در: تاریخ فرانک، چاپ دوم، بخش دو، لایپزیک ۱۹۱۹ ص ۲۱۸؛ ترجمه اولمان هیچ فایده دیگری جز این ندارد که...
۲. نک: مقدمه چاپ اول.

۳. چاپ هشتم دارای مقدمه‌ای از گونتر وایل است: SCHWALLY, a.a.O.

4. WEIL, a.a.O.

5. *Der Koran: das heilige Buch des Islam, nach der Übertragung von Ludwig Ullmann neu bearbeitet und erläutert von L.W.-Winter, München: Goldmann, 1959.*

نقدی جامع بر این ترجمه رازیگفرید ریدر (Reader, Siegfried) انجام داده است در:

Evangelische Missionszeitschrift, 18 (Stuttgart 1961), S. 174-180.

۶. مقدمه، ص ۱۱: *Einleitung*, S. 11: در این باره ریدر (Reader, a.a.O., S. 180) یادآور می‌شود که: یکی از

هرچند ترجمه و تفسیر پارت، همان‌گونه که خودش تأکید می‌کند، برای متخصصان تهیه شده است،^۱ اما انتشارات تصمیم گرفت پس از تنظیم و بررسی آن را در قطع جیبی در اختیار همگان قرار دهد.^۲ اگرچه در این چاپ نمونه‌های بهتری از ترجمه ارائه می‌شود، اما این نسخه بر عکس چاپ سال ۱۹۶۶ در شماره‌گذاری تنها از شماره‌گذاری قاهره پیروی کرده و شماره‌گذاری فلوگل را در نظر نیاورده است. علاوه بر آن در این نسخه عبارتهای عربی آورده نشده و توضیحات موجود در پانویس‌ها به وسیله قلاب‌ها به داخل متن منتقل شده است. از یک سو به نظر می‌رسد ترجمه‌ها مطمئن‌تر از آن چیزی باشد که به نظر پارت می‌رسید چرا که او با احتیاط از نسخه چاپ جیبی فاصله می‌گیرد و به کارشناسان توصیه می‌کند که از چاپ اول، یعنی از چاپ سال ۱۹۶۶ استفاده نمایند^۳ اما از دیگر سوی توضیحات موجود در درون قلاب‌ها متن را با انباشتگی همراه ساخته است به گونه‌ای که از متن اولیه که برای مخاطب روان و قابل خواندن بود، چیزی باقی نمانده است. به عنوان مثال در سوره ۱۱۲ آیه یک به بعد در چاپ جیبی آمده است:

Sag: Er ist Gott, ein Einziger, 2 Gott durch und durch (er selbst) (?) (w. der Kompakte) (oder: der Nothelfer (?), w. der, an den man sich (mit seinen Nöten und Sorgen) wendet,; genauer: den man angeht?)

شاید بتوان با توجه به قیمت نازل چاپ جیبی، آن را توجیه کرد اما با توجه به متن غامض

→

اس. ت. ویلد (S.T. Wild) سبک پارت را برای فحوای قرآن نامناسب می‌داند. ("Die Schönerliche Öde des heiligen Buches", in: *Gott ist schön und er liebt die Schönheit. Festschrift für Annemarie Schümmel*, hrsg. von A. Giese und J.c. Bürgel. Bern, 1994, S. 429-447.) Schedl, Cl. in: *Theologisch-praktische Quartalschrift* 128 (Linz/Donau, 1980) S. 199f.

«قدرت شاعرانه زبان قرآن محمد فقط به صورت آگاهانه صرفاً در محتوا آمده است اما در صورت آن قابل لمس نیست. باید متن قرآن (به مانند پیامبران در انجیل) به شیوه شاعرانه در سطور معنایی و بندها و البته بدون توضیحات کامل کننده در ضمن متن تقسیم‌بندی شود. تنها بدین صورت است که خواننده می‌تواند فهم نماید امکان از بر کردن قرآن وجود داشته است.»

1. Paret, *Grenzen*, a.a.O., S. 11.
2. *Der Koran*, Übersetzung von Rudi Paret. Überarb Taschenbuchausgabe. Und: *Der Koran. Kommentar und Konkordanz* von Rudi Paret. Stuttgart: Kohlhammer 1979, 7. Auflage 1996.
3. Vorwort zur Taschenbuchausgabe. S. 11.

ع. نسخه مطالعاتی: رودی پارت

ترجمه و تفسیر رودی پارت، اثری استاندارد در قرآن‌پژوهی است. وی برای ارائه «ترجمه‌های علمی با تفسیری آسان از قرآن» از میانه دهه سی آغاز به کار کرد،^۱ اما ترجمه او در سال ۱۹۶۶ و تفسیرش به سال ۱۹۷۱ روانه بازار شد.^۲ هدف پارت ارائه معنای اصلی قرآن بود. برای تبیین معنای مواضع دشوار قرآن، وی نه تنها از منابع غیرتاریخی در سنت اسلامی بهره نگرفت، بلکه کوشید با تطبیق نظام مند مطالب موازی درون قرآنی به شرح غوامض بپردازد. در مواضع



که وی از ترجمه نامطمئن است، آنها را با علامت سؤال مشخص می‌سازد؛ یا متن عربی را به نوشتار لاتینی می‌آورد و یا اینکه به وسیله توضیحات مختلف و بحث تطبیقی با تفاسیر مختلف در کتاب تفسیر پارت به روشن کردن آنها می‌پردازد. پارت از ارائه زبانی فحیم در ترجمه اجتناب می‌ورزد و می‌کوشد بیانی ساده و زبان آلمانی روان ارائه نماید. به همین سبب پارت در قلاب‌ها تکمله‌هایی برای فهم بهتر ارائه می‌نماید و در توضیحات نیز ترجمه‌ای لفظی و کلمه به کلمه ارائه می‌نماید. از آنجا که وی در عبارتهای نامفهوم باید به متن اصلی وفادار بماند، با نوعی تداخل سبک مواجه می‌شود و البته خود نیز به این موضوع واقف است: «ترجمه روان برخی از بخشها در یک تغییر اجباری با بخشهایی در می‌آمیزند که غیر ماهرانه به نظر می‌آیند و بسیار دشوار فهم هستند.»^۳

۱. نک. 32. Anm. پس از جنگ پارت درباره این پروژه توضیح داده است: در کتاب زیر:

Grenzen der Koranforschung, Stuttgart, 1950.

۲. ترجمه در سال ۱۹۶۳ در سه بخش جداگانه ارائه شد:

Der Koran. Übersetzung von Rudi Paret, Stuttgart: Kohlhammer 1966; *Der Koran. Kommentar und Konkordanz* von Rudi Paret. Stuttgart: Kohlhammer, 1971, 2. urberarb. Aufl. 1977, 5. unveränderter Nachdruck, 1993.

3. *Der Koran*. Vorwort, "Zur Übersetzung", S. 3.

کنایه‌ای به م. پیکتال (M. Pickthall) دارد:

The Meaning of the Glorious Koran: an Explanatory Translation-1930

رسول تأکید دارد که فهمی سستی از قرآن را ارائه می‌دهد.^۱ به مانند همه چاپهای اسلامی که (معمولاً بر اساس نسخه قاهره) متن عربی مقابل متن آلمانی قرار می‌گیرد به گونه‌ای که در قیاس با متن اصلی این ویژگی ظاهری را ارائه می‌نماید که شماره آیات پس از هر آیه می‌آید و نه پیش از آن. رسول در مقدمه درباره ترجمه‌اش اظهار نظر می‌کند و بیش از هر چیز دیگر این نکته جالب توجه می‌نماید که وی معتقد است که در ترجمه مترجم حق ندارد مفاهیم را بر اساس آنچه در سنت اسلامی آمده است بازگو نماید، بلکه باید به مفهوم اولیه آن بازگردد. به عنوان مثال واژه «اسلام» به عنوان «تسلیم بودن در برابر خدا» معنا می‌شود و نه به عنوان نام یک جامعه دینی تاریخی.^۲ آنچه که اینجا به مانند نزدیک شدن به هدف تاریخی - انتقادی پارت به نظر می‌رسد در متن تحقق نیافته است و به عکس در واژه‌نامه تعداد زیادی از واژه‌های قرآنی را می‌یابید که به وسیله متون مربوط به سنت (احادیث و روایات) توضیح داده شده‌اند. متن رسول ظاهراً در تطبیقی دائمی با ترجمه‌های احمدیه و پارت تنظیم شده است و تنها در برخی مواضع رسول جرئت کرده است ترجمه‌ای مستقل ارائه نماید.^۳ ترجمه در سبکی بسیار ساده ارائه شده و فاقد توضیحات و ارجاعات درباره مواضع نامفهوم متن می‌باشد. این ترجمه بیشتر برای قرائت مناسب است و برای مطالعات انتقادی مناسب نیست.

۸. فاطمه کریم: تعالیم اسلامی قرآن

انتشارات باواریا SKD در مونیخ (Muenchener Skd Bavaria Verlag&Handel) با انگیزه‌ای مشابه رسول به نشر ترجمه قرآن پرداخت. آغاز این کار به زمانی بازمی‌گشت که

1. Hrsg. und übers. Von Abu r-Rida Muhammad ibn Ahmad Ibn Rassouli. 15. verbesserte und im Anhang erweiterte A.

2. S. 843f.

۳. احمد فن دنفر (A. von Denffer) نیز به این موضوع اشاره دارد که کار رسول نیز تنها تصحیح اسلامی بر ترجمه‌های آلمانی قرآن بوده است.

Der Koran. Die heilige Schrift des Islam in deutscher Übertragung. mit Erläuterungen nach Kommentaren von Dschalalain, Tabari und anderen hervorragenden klassischen Koranauslegern. Ahmed v. Denffer, München: islamisches Zentrum, 1996, 3. Auflage, 1997, Einleitung, S. XVII.

آن جای تأسف است که انتشارات به چاپ مجدد نسخه سال ۱۹۶۶ که دیگر در کتابفروشی‌ها موجود نیست، اقدام نکرده است.^۱

ترجمه چاپ سال ۱۹۶۶ پارت به صورت سی دی نیز تحت عنوان «قرآن مقدس» قابل دسترسی است و از طرف Topware انتشار یافت.^۲

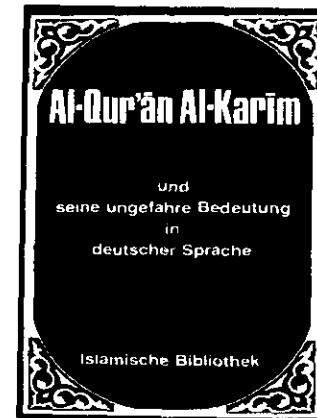
(Global Islamic Software Company 1997 <http://www.al-islam.com>)

در این نسخه رایانه‌ای علاوه بر متن عربی ترجمه ترکی و آلمانی نیز ارائه شده است. امکانات مختلف، کمک برای تلفظ، قرائت و نیز شیوه حفظ قرآن، کتابشناسی و نیز متن اصلی سه تفسیر کلاسیک قرآن الجلالین (السیوطی و المحلی) این کثیر و القرطبی در این نسخه موجود است.

۷. قرآن برای مسلمانان آلمانی زبان:

محمد رسول

مخاطب اصلی گروه فعالان اسلامگرای محمد عبدالرسول^۳، رئیس مرکز اسلامی الدعوه کلن، مسلمانان آلمانی زبان هستند. رسول در نوشته‌های خودش به عنوان مثال در «مفتی آلمانی»^۴ برداشت‌هایش را درباره زندگی مطابق با اسلام در آلمان ارائه می‌داد. مهم‌ترین ابزار «رسالت درونی» وی ایجاد یک وجدان جمعی در



میان مسلمانان است که مرزبندی و مجادله سختی را علیه مسیحیان برانگیزد. همچنین ترجمه وی که برای اولین بار در سال ۱۹۸۶ منتشر شد، به این موضوع ارتباط می‌یافت. در عنوان این ترجمه آمده است: «قرآن کریم و معنای تقریبی آن به زبان آلمانی». این عنوان

۱. در ۱۹۹۹ VLB به اشتباه نام این نسخه در فهرست آمده است.

۲. درباره اینکه این نسخه ترجمه پارت است در لوح فشرده هیچ اشاره‌ای نشده است. در این نسخه به جای واژه Gott واژه الله به کار رفته است.

۳. درباره او ببینید: Spuler-Stegemann, a.a.O., S. 91f.

4. Köln: Islamische Bibliothek 1417/1997.

۹. ترجمه‌ای با انگیزه دیالوگ:

عادل تنودور خوری

ترجمه عادل تنودور خوری (Adel Theodor Khoury)، استاد ادیان در دانشکده کاتولیکی مونستر (Münster) که برای اولین بار در سال ۱۹۸۷ منتشر شد، هدفی را مخالف با اندیشه‌های اسلامگرایی دنبال می‌کند.^۱ هدف مطرح شده از سوی خوری این است که ترجمه متناسب با فهم مسلمانان باشد تا میانی قابل اعتمادی را برای گفت و گو میان اسلام و مسیحیت فراهم آورد.^۲ خاستگاه این تمایل وحدت‌گرایانه که به روشنی از توضیح پیش‌زمینه‌های کلامی مفاهیم

قرآن صرف نظر می‌کند، از یک سو ارجاعات درونی به مشابهات و مطالب موازی با انجیل است و از دیگر سوی احادیث و روایاتی که از سیره پیامبر باقی مانده و به نوعی با مطالب ذکر شده در قرآن در ارتباط است و وی در ضمیمه‌ای، گزیده‌ای از آنها را گنجانده است. مشخص

1. *Der Koran*. Übersetzung von Adel Theodor Khory unter Mitwirkung von Muhammad Salim Abdullah mit einem Geleitwort von Imanullah Khan. Gütersloh: Mohn 1987, 2., durchges. Aufl. 1992.

این ترجمه در چاپ چند جلدی خود تفسیری علمی را نیز به همراه دارد:

Der Koran. Arabisch-Deutsch. Übers. und wissenschaftlichem Kommentar von Adel Theodor Khory. Gütersloh, 1990ff.

(تاکنون ۱۰ جلد تا سوره ۳۶) رجوع کنید به:

Die Rezensionen von GERZESKOWIAK, Martin: "Ein Koran für deutsche Muslime: Bemerkungen zur Koranübersetzung von Khory und Abdullah", in: *Hallesche Beiträge zur Orientwissenschaft* 13 (1988), S. 37-42 u. TROLL, Christian W. in: *Islam & Christian Muslim Relations (ICMR)* 3/1 (Birmingham, 1992): S. 140f. KHORY, R.G. in: *Bibliotheca Orientalis* 1/2 (Januar-März, 1993) Sp. 267-269.

۲. مقدمه، ص IX، خوری در مواضعی که امکانهای متفاوتی برای ترجمه وجود دارد، به سنت اسلامی پای بند می‌ماند؛ به عنوان مثال در ۳۴/۴. به نظر می‌رسد او - با توجه به محتوا - بیشتر به ترجمه پارت توجه داشته است، ببینید:

GERZESKOWIAK, a.a.O., S. 40; von DENFFER, a.a.O., S. XX.

فاطمه هرن (Fatima Heeren)^۱ در ضمیمه مجله الاسلام. مجله مرکز اسلامی مونیخ و «با همکاری یکی از عربی‌شناسان با تجربه»^۲ و بر اساس ترجمه انگلیسی یوسف علی، سوره دوم قرآن را به زبان آلمانی برگرداند.^۳ کار ترجمه در سالهای بعد نیز ادامه یافت و در فاصله سالهای ۱۹۸۳ - ۱۹۹۶ در مجموع ۲۴ دفتر از انتشارات باواریا منتشر گشت.^۴ در سال ۱۹۹۶ مجموعه پنج جلدی با حمایت انجمن جهانی مسلمانان Moslim World League و دانشگاه الازهر روانه بازار گشت. در این ترجمه چنین آمده بود: «تا آنجا که ما اطلاع داریم، این اولین ترجمه قرآن به زبان آلمانی است که توسط مسلمانان انجام گرفته است».^۵ یک سال بعد این نسخه تجدید چاپ شد و البته این چاپ «کلامی برای مقدمه» فاطمه گریم را نیز در پیوست داشت.^۶ وی در مقدمه خود از حلیمه کراوزه (Halima Krause)، راشا، علی‌المهکری و همچنین حوا و عمر الشباسبی به عنوان همکاران مجموعه یاد کرده بود. بر اساس این مقدمه، ترجمه قرآن در قدم اول برای فراگیری تعالیم اسلامی و قرآنی در مراکز اسلامی و فضای آلمانی‌زبانان تنظیم شده است. ارزش واقعی این چاپ در مقدمه مفصل و توضیحات کاملی است که درباره هر سوره ارائه شده است. در این توضیحات از تفاسیر برخی از مفسران اسلامی مانند محمد عبده، المودودی و سید قطب استفاده شده است، که البته اینان جزء نظریه‌پردازان اسلامی نیز به‌شمار می‌آیند. جای تعجب نیست، چرا که مؤسسه باواریا به مرکز اسلامی مونیخ تعلق دارد و این مرکز نیز به برادران مسلمان مصری و جماعت اسلامی که توسط المودودی تأسیس شده نزدیک است.^۷

۱. گزارشی از فاطمه هرن (بعدها: گریم) به چاپ رسید در:

Deutsche von Allah geleitet, a.a.O., S. 35-43.

۲. «کلامی برای مقدمه» در: ترجمه معانی القرآن الکریم الی اللغة الألمانية:

Die Bedeutung des Korans, München: SKD Bavaria Verlag und Handel, 1996, 1997.

3. Abdullah Yusuf Ali. *The Holy Quran: An Interpretation in English*, Lahore, 1934-37. Vgl. *World Bibliography*, a.a.O. S. 230, u. von Denffer, Einleitung, a.a.O. S. 16.

۴. مشروع الترجمة لمعانی القرآن الکریم الی اللغة الألمانية:

Die Bedeutung des Korans, München: SKD Bavaria Verlag und Handel.

5. S. Anm. 93, Bd. 1, S. 5.

۶. نک. 93 Anm. توضیحات وازگان.

7. SPULER-STEGEMANN, a.a.O., S. 116 u 258.



کردن بخشهای مربوط به تجوید و نحوه قرائت قرآن در کنار ترجمه می‌تواند به عکس غیر مسلمانان را به اشتباه بیندازد؛ چرا که قرآن باید به زبان عربی قرائت شود. ترجمه خوری از سوی کنگره جهانی اسلام مورد حمایت قرار گرفت. همچنین نماینده آلمانی آن محمد سلیم عبدالله که در آثار بسیار همواره خود را به عنوان نماینده جدی دیالوگ مطرح می‌سازد، بر این ترجمه مقدمه‌های خواندنی نگاشت.^۱ در این مقدمه وی به نکات جدیدی درباره فهم نوین متکلمان اسلامی از متون دینی اشاره می‌کند^۲ که برخورد بازتری را با سنت اسلامی امکان‌پذیر می‌سازد.

در نسخه چند جلدی و مفصل ترجمه - به استثنای نکات خیلی ریز - که «تفسیری علمی» را نیز داراست، از ترجمه نسخه جیبی استفاده شده است.^۳ خوری در تفسیر علمی به مانند پارت، پژوهشی تاریخی انتقادی انجام نمی‌دهد. او در تفسیر نیز همان راهی را پی می‌گیرد که در چاپ جیبی ارائه داده است: به مسائل زبان‌شناختی اجتماعی یا سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه بر این تمرکز می‌کند که فهم اسلامی هر سوره و بخشهای مختلف سوره را بیان نماید. برای بیان این موضوع در بخشی مقدماتی و عمومی درباره سوره‌ها در زمینه تاریخ نزول، ساختار، مفاهیم زیربنایی مطرح شده در سوره‌ها، و همچنین فضایل هر سوره اطلاعاتی ارائه شده است. از دیگر سوی، در پایان هر یک از بخشهای محتوایی همه آیات با توجه به تفاسیر مهم اسلامی تک تک تفسیر شده‌اند. همچنین به موارد مشابه و موازی در متن انجیل - چنانچه موجود باشد - اشاراتی داده شده است. این روش با افزودن حواشی در متن و ارائه تفاسیر، برخی به صورت نظام‌مند و برخی به صورت تاریخی (به عنوان مثال، در جلد دوم: نفاق در قرآن و شریعت، دیدار از مساجد، قرآن و تکثرگرایی، گزارشی درباره حجة‌الوداع و غیره) و به وسیله یک کتاب‌شناسی مفصل و ارجاعات تکمیل می‌شود. ارزش کاری خوری

۱۰. تلاش برای نزدیک شدن به متن اصلی: احمد فن دنفر (Ahmad von Denffer)

پس از سیزده سال تلاش احمد فن دنفر، معاون ریاست مرکز اسلامی مونیخ و سردبیر مجله الاسلام در سال ۱۹۹۶ تازه‌ترین ترجمه قرآن را ارائه داد. دنفر که بر اساس عقیده خودش اولین مترجم مسلمانانی است که زبان مادری‌اش آلمانی بوده است،^۳ درست عکس آن چیزی را پی می‌گیرد که مراد ویلفرید هوفمن در تصحیح ترجمه هنینگ به دنبال آن بود؛ یعنی آنکه قرآن خود سخن بگوید و به طور مستقیم دریافت گردد. از نگاه دنفر ابزار این کار برگردان واژه به واژه متن

اصلی است. چنین ترجمه‌ای به نظر او به راحتی قابل فهم و قابل خواندن است؛ چرا که به متن نزدیک است و جایی برای مناقشه باقی نمی‌گذارد.^۴ دنفر درباره نتیجه کارش با اعتماد به نفس می‌گوید: ترجمه حاضر، در این معنا (یعنی در ارتباط با نزدیکی به متن اصلی) موثوق‌ترین ترجمه به حساب می‌آید، البته تا جایی که چنین ادعایی درباره یک ترجمه صدق می‌کند.^۵ وفاداری مجدانه به متن اصلی حکایت از تلاش برای یافتن واژگان علمی مناسب اسلامی دارد و به همین سبب است که این کار به ساختن واژگانی غیر معمول می‌انجامد که دنفر برای توجیه آنها در مقدمه و در بخش ارجاعات می‌کوشد: واژه «کافر» نباید به مانند ترجمه پارت و

۱. م. عبدالله مسئولیت‌های مختلفی داشته است. او مدیر مؤسسه مرکزی اسلام آرشیو آلمان است و همچنین مدیر مسئول مجله (Moslemische Revue) بود. وی بنیانگذار و تا پیش از کناره‌گیری رئیس شورای مسلمانان آلمان بود. (۱۹۸۶-۹۴) و همچنین برگزارکننده کنگره جهان اسلام است. نک:

FINDT-RIGERS, Nils/ Steinbach, Udo, *Islamische Organisationen in Deutschland*, Hamburg: Deutsches Orient Institut, 1997, S. 33ff. Spuler-Stegemann, a.a.O., Index.

2. *Der Koran. Gottes Wort im Leben der Gemeinde*, S. XVII-XXXVIII.

3. *Der Koran*, Bd. 1, 1990, Vorwort, S. 12.

۱. در این باره نرول (TROLL, a.a.O., S. 141) می‌نویسد: Anm. S. 91

۲. درباره دنفر، به عنوان یکی از آخرین چهره‌های اسلام‌شناسی آلمان، نک: مقدمه دنفر درباره زندگی‌نامه‌اش. Index;

SPULER-STEGEMANN, a.a.O., S. XVff

3. Vorwort, S. XXXIX.

4. Vorwort, S. XVI u. XXIV.

5. Vorwort, S. XXVII.

همچنین ترجمه عبارت «ولن تفعلوا» که وی آن را «und sicher tut ihr es Recht» ترجمه کرده نیز نادرست است، چراکه وی آن را در حالت تأکیدی ترجمه کرده است: «و شما مطمئناً انجام نخواهید داد» حال آنکه باید آن را به شکل زمان آینده ترجمه می‌کرد:^۱

und ihr werdet es nicht tun

علاوه بر آن، مثالهای زیادی نیز می‌توان یافت که در آنها فهم نادرست از نحو قابل شناسایی است؛ به عنوان مثال، فراز پایانی آیه ۲۱ (لعلکم تتقون) سوره بقره یک جمله پیرو نیست؛ ترجمه دفر: «damit ihr vielleicht gottesfürchtig seid» این جمله یک جمله پایه است. پارت آن را این گونه ترجمه می‌کند:^۲

vielleicht werdet ihr gottesfürchtig sein

در ترجمه آغاز آیه ۲۸ سوره بقره، فن دفر جمله حالیه را تشخیص نمی‌دهد و چنین ترجمه می‌کند:

Wer verweigert ihr den Glauben an Allah, und ihr war tot und er hat euch lebendig gemacht.

در صورتی که هنینگ و پارت آن را درست ترجمه کرده‌اند:

۱. همچنین مقایسه کنید: ترجمه آیه ۱۵۳ از سوره الصافات: اصطفى البنات علی البینین:

"Er hat die Töchter auserwählt gegenüber den Söhnen"

در این ترجمه مشخص نشده است که «ا» حرف استفهام است و این آیه باید به صورت پرسشی ترجمه شود: "Hat er etwa die Töchter vor den Söhnen ausgewählt?" به همین سبب فن دفر مفهوم اصلی آیه ۱۵۳ را نادرست فهمیده است. چراکه این آیه سخن مخالفان نیست، بلکه هسته اصلی استدلال قرآن است.

۲. دفر آیه بعد (الذی جعل لکم الارض فراشا و السماء بناء و انزل من السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقا لکم فلا تجعلوا لله اندادا و انتم تعلمون) را این گونه ترجمه می‌کند:

Der für euch die Erde ein Ruhebett gemacht hat und den Himmel einen Bau, und Er hat vom Himmel wasser herabgesandt, dann hat Er damit Früchte hervorgebracht als Versorgung für euch(...)

فن دفر ساختار جمله را تغییر می‌دهد به این شکل که او از یک جمله پیرو موصولی به جمله اصلی گذر می‌کند. اما اینجا تنها یک جمله وجود دارد و افعال (herabsenden) و (hervorbringen) موازی هستند. از این رو جمله دوم دفر باید بدین شکل تغییر کند:

Und Der vom Himmel Wasser herabgesandt hat...

این تقسیم بندی در زبان عربی با علامت وقف مشخص شده است.

هنینگ «Ungläubige» (بی‌ایمان) ترجمه شود، بلکه باید آن را «Glaubensverweigerer» ترجمه کرد. مشرک که هنینگ آن را Götzdiener ترجمه کرده و پارت آن را «Heide» برگردان نموده است باید «Mitgöttergebender» ترجمه شود.^۱ همچنین ترجمه دفر از اسلام و مسلمان نیز عجیب است. اسلام به معنای «Friedenmachen» و مسلمان را نه «Friedenmachender» بلکه «friedenmachend Ergebener» ترجمه کرده است.^۲ و به همین دلیل آیه ۱۲۸ سوره بقره را که دعای ابراهیم و اسماعیل است: «واجعلنا مسلمین لك و من ذریتنا امة مسلمة لك» را این گونه ترجمه می‌کند:

Unser Herr, und mache uns Der friedenmachend Ergebene, und von unser Nachkommenschaft eine Der freedenmachend ergebene Gemeinschaft.

دفر نه فقط در مفاهیم بلکه حتی در نحو نیز می‌کوشد که از متن اصلی پیروی نماید. از این رو ترجمه او گاه به سختی‌هایی برخورد می‌کند که بازتاب و ویژگی زبان عربی هستند.^۳ به عنوان مثال در ترجمه آیه ۵ از سوره لقمان: اولئک علی هدی من ربهم^۴

Diese sind auf Rechtleitung von ihrem Herrn.

بار ترجمه واژه به واژه بر روی زبان مقصد است و معیار و میزان قابلیت آن در خواندن نیست، بلکه مسئله این است که آیا ساختارهای زبان مبدأ به درستی برگردان شده‌اند؟ به همین سبب ترجمه دفر در آغاز سوره بقره اشتباهات بی شماری دارد. یکی از این اشتباهات در ترجمه آیه ۱۱ سوره بقره رخ می‌دهد که عبارت «انما نحن مصلحون» را این گونه ترجمه می‌کند:

Wir sind doch, der Rechtschaffenen tun.

در حالی که اگر بنا باشد به متن نزدیک بمانیم باید این گونه ترجمه کنیم:

Wir sind doch Rechtschafene

۱. Vorwort, S. XIX u. XXXI: فن دفر افعال «کفر» و «اشرک» را نیز: "den Glauben "Mitgötter geben" verweigern" ترجمه کرده است.

۲. Vorwort, S. VIII.

۳. مثال سوره بقره آیه ۱۲۲ «erinnert euch meiner Wohltat, mit der ich euch wohlgetan habe»

۴. در تصحیح ویلفرید مراد هوفمن: Diese folgen der Rechtleitung ihres Herrn.

Wie könnt ihr an Gott nicht glauben, wo ihr doch tot ward und er euch lebendig gemacht hat.

در عبارت عربی واو حالیه است، حال آنکه دنفیر آن را واو حرف ربط ترجمه کرده است.^۱ فهرست اشتباهات دنفیر بسیار طولانی خواهد بود و از همین نمونه‌های اندک باید روشن شده باشد که ترجمه احمد فن دنفیر ترجمه موثقی نیست. ترجمه‌ای واژه به واژه از قرآن که بر آن بتوان اعتماد کرد باید در آینده تحریر شود.

■

1. Vgl. auch von Denffers Uebersetzung von 14/12.